

کتاب دانیال - شماره شصت و شش

پرده برداری از سمفونی پیامبرانه: زمان مهر شدن، باران پسرین، و ندای خروج از بابل

Jeff Pippenger

2024-01-30

بخشی که در مقاله پیشین بررسی کردیم می‌گفت که «ریزش عظیم روح القدس» در باب هجدهم مکاشفه «خواهد آمد تا وقتی که مردمی روشن بین داشته باشیم که به تجربه بدانند همکار با خدا بودن یعنی چه.» اما وعده این است که وقتی «ما وقف کامل و تمام دلانه برای خدمت مسیح داشته باشیم، خدا این حقیقت را با ریزشی بی‌حد و اندازه از روح خود تصدیق خواهد کرد.» خود نامیدن «ریزش عظیم» به طور ضمنی بر وجود ریزشی کمتر دلالت می‌کند (ریزش با پیمانانه).

در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، فرشته نیرومند مکاشفه باب هجدهم نازل شد، اما «بخش عمده کلیسا» در آن زمان، و هنوز هم، «همکاران خدا نیستند». در فاصله میان ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ تا زمانی که خدا مشخص می‌کند که سرانجام گروهی وجود دارد که به «وقف کامل و تمام قلب برای خدمت مسیح» دست یافته‌اند، باران پسرین «سنجیده» می‌شود، داوری زندگان رخ می‌دهد، و داوری از خانه خدا آغاز می‌شود.

باب هجدهم مکاشفه دو صدا را معرفی می‌کند که خواهر و ایت به ما می‌گوید دو فراخوان به کلیساها هستند. صدای دوم (فراخوان)، دعوت به بیرون آمدن از بابل است که در هنگام قانون یکشنبه‌ای که به زودی برقرار خواهد شد رخ می‌دهد. صدای نخست در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ فرا رسید. افاضه روح القدس که آنگاه آغاز شد «با پیمانانه» بود، زیرا مسیح نخست می‌بایست مردمی را پاک سازد که در نهایت روح القدس را بر آنان «بی‌پیمانانه» خواهد ریخت، آنگاه که ایشان را در ساعت زلزله عظیم چون علمی برافراشت. آن گروه لازم بود پیش از آنکه صدای دوم باب هجدهم مکاشفه نطنین‌انداز شود پاک گردند، زیرا ایشان همانانی‌اند که باید آن پیام را اعلام کنند.

در نخستین ناامیدی بهار ۱۸۴۴، پروتستان‌ها به پروتستان‌های مرتد تبدیل شدند و مؤمنانی که در آن هنگام خود را در دوره انتظار یافتند، نمایانگر هیکل کسانی بودند که پیش‌تر قوم خدا نبودند. در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، فرشته نیرومند مکاشفه هجده فرود آمد، و نخستین گام در پاک‌سازی و برپا کردن هیکل روزهای آخر خدا آغاز شد، و این با آزمون ادونتیسیم لائودکیایی آغاز شد. در ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۰، دومین گام فرایند آزمون آغاز شد. در هنگام تعمید مسیح، فرایند جداسازی اسرائیل باستان آغاز شد، زیرا مسیح سپس نخستین شاگردان را برگزید؛ همانانی که بنیاد هیکل مسیحی بودند که او در آن تاریخ برمی‌افراشت.

در آغاز خدمت سه و نیم ساله‌اش، مسیح هیکل را پاک‌سازی کرد که آن را «خانه پدرش» می‌نامید؛ و در پایان خدمتش، هنگامی که برای بار دوم و آخرین بار هیکل را پاک‌سازی کرده بود، اعلام او این بود: «خانه شما برای شما ویران و واگذار می‌شود.» قوم عهد پیشین کنار گذاشته شده بودند و قوم عهد جدید او به عنوان «هیکل او» قرار گرفتند. با اجرای قانون یکشنبه، ساختار تشکیلاتی کلیسای ادونتیست‌های روز هفتم ویران خواهد شد.

پیامبر می‌گوید: «دیدم فرشته‌ای دیگر از آسمان فرود آمد که قدرتی عظیم داشت؛ و زمین از جلال او روشن شد. و با صدایی بلند و نیرومند فریاد زد و گفت: بابل عظیم سقوط کرد، سقوط کرد، و مسکن شیاطین شده است» (مکاشفه ۱۸: ۲). این همان پیامی است که فرشته دوم داد. بابل سقوط کرده است، «زیرا همه امت‌ها را از شراب خشم زناکاری‌اش نوشانید» (مکاشفه ۱۴: ۸). آن

شراب چیست؟ آموزه‌های باطل او. او به جهان سبت جعلی به جای سبت حکم چهارم داده است و همان دروغی را که شیطان نخست در عدن به حوا گفت، تکرار کرده است—جاودانگی طبیعی نفس. بسیاری خطاهای هم‌خانواده را در سراسر جهان پراکنده کرده است، «احکام انسان‌ها را به‌جای تعالیم تعلیم می‌دهند» (متی ۹:۱۵).

وقتی عیسی خدمت عمومی خود را آغاز کرد، هیکل را از بی‌حرمتی کفرآمیز آن پاک ساخت. از جمله آخرین اعمال خدمت او، دومین پاکسازی هیکل بود. پس در کار نهایی برای هشدار به جهان، دو دعوت متمایز خطاب به کلیساها صادر می‌شود. پیام فرشته دوم این است: «بابل سقوط کرد، سقوط کرد، آن شهر بزرگ، زیرا همه ملت‌ها را از شراب خشم زناکاری او نوشانید» (مکاشفه ۸:۱۴). و در فریاد بلند پیام فرشته سوم، آوازی از آسمان شنیده می‌شود که می‌گوید: «ای قوم من، از او بیرون آیید تا شریک گناهانش نشوید و از بلایای او نیابید، زیرا گناهانش تا به آسمان رسیده است و خدا بی‌عدالتی‌های او را به یاد آورده است» (مکاشفه ۴:۱۸، ۵). ریویو اند هرالد، ۶ دسامبر ۱۸۹۳.

نخستین تطهیر هیکل با نخستین صدا در فصل هجدهم کتاب مکاشفه همخوانی دارد، و صدای دوم همان فریاد بلند است که گوسفندان دیگر خدا را از بابل فرا می‌خواند. آیات یک تا سه زمانی تحقق یافت که ساختمان‌های عظیم شهر نیویورک فرو ریختند. آن در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ رخ داد و نخستین تطهیر هیکل، یا نخستین دو دعوت به کلیساها، اعلام شد. نخستین دعوت در هنگام تعمید مسیح آغاز شد، وقتی روح‌القدس از آسمان فرود آمد و آزمون اسرائیل باستان آغاز شد. در ۱۱ اوت ۱۸۴۰، نخستین تطهیر هیکل، یا نخستین دو دعوت به کلیساها، به جنبش میلری اعلام شد.

در آن زمان، باران پسین و مهر کردن صد و چهل و چهار هزار، هم‌زمان با صحنه‌های پایانی داوری تحقیقی، آغاز شدند. در آن صحنه‌های پایانی، کار مسیح چنین تصویر می‌شود که او گناهان وفاداران را از کتاب گناهان محو می‌کند، یا نام‌های کسانی را که خود را مسیحی می‌خوانند از کتاب حیات محو می‌کند. آن بازه زمانی، دوره چکیدن باران پسین است، زیرا خدا روح‌القدس را بی‌اندازه تنها زمانی فرو خواهد ریخت که کلیسا پاک باشد. در زمان قانون یکشنبه، فرو ریختن روح‌القدس بی‌اندازه خواهد بود.

ای برادران، در کار بزرگ آمادگی چه می‌کنید؟ آنان که با دنیا متحد می‌شوند، قالب دنیوی را می‌پذیرند و خود را برای نشان وحش آماده می‌کنند. اما آنان که به خود بی‌اعتمادند، در برابر خدا فروتن می‌شوند و با اطاعت از حقیقت جان‌های خود را پاک می‌سازند، اینان قالب آسمانی را می‌پذیرند و خود را برای مهر خدا بر پیشانی‌هایشان آماده می‌کنند. هنگامی که فرمان صادر شود و مهر نهاده گردد، سیرت آنان تا ابد پاک و بی‌لکه باقی خواهد ماند. شهادت، جلد ۵، صفحه ۲۱۶.

کار روح‌القدس این است که جهان را از گناه، از عدالت و از داوری ملزم سازد. جهان تنها زمانی هشدار می‌گیرد که ببیند آنان که به حقیقت ایمان دارند، به وسیله حقیقت تقدیس شده‌اند، بر اصول بلند و مقدس عمل می‌کنند و به شیوه‌ای والا خط فاصل میان کسانی را که فرامین خدا را نگاه می‌دارند و کسانی را که آنها را زیر پا می‌گذارند، نشان می‌دهند. تقدیس روح تفاوت میان کسانی را که مهر خدا را دارند و آنان را که روز استراحت جعلی‌ای را نگاه می‌دارند، آشکار می‌سازد. وقتی آزمون فرا برسد، به روشنی معلوم خواهد شد که نشان وحش چیست. این همان نگاه‌داشتن یکشنبه است. آنان که پس از شنیدن حقیقت، همچنان این روز را مقدس می‌شمارند، مهر مرد گناه را بر خود دارند؛ همان که در اندیشه داشت زمان‌ها و قوانین را تغییر دهد. مدرسه آموزش کتاب مقدس، ۱ دسامبر ۱۹۰۳.

اشعیا "روز باد شرقی" را، که آن را "باد خشن بازداشته (می‌ایستد)" نیز می‌نامد، به‌عنوان زمانی تعیین می‌کند که "اندازه‌گیری" آغاز می‌شود.

به اندازه، چون بروید، با آن محاجه خواهی کرد؛ او باد سخت خود را در روز باد شرقی بازمی‌دارد. پس بدین‌سان گناه یعقوب پاک خواهد شد؛ و تمام ثمره آن برداشته شدن گناه اوست: آنگاه که همه سنگ‌های مذبح را چون سنگ‌های آهکی خردشده سازد، درختستان‌ها و بت‌ها دیگر برپا نخواهند ماند. اما شهر مستحکم ویران خواهد شد، و مسکن متروک، و چون بیابان رها خواهد گشت؛ آنجا گوساله چرا خواهد کرد و همان‌جا خواهد آرمید و شاخه‌های آن را خواهد خورد. چون شاخه‌های آن پژمرده شوند، شکسته خواهند شد؛ زنان می‌آیند و آنها را به آتش می‌افکنند؛ زیرا قومی بی‌فهم‌اند؛ از این‌رو آن که ایشان را ساخت بر آنان رحم نخواهد کرد، و آن که ایشان را شکل داد بر ایشان لطفی نشان نخواهد داد. و در آن روز چنین خواهد شد که خداوند از مجرای رود تا نهر مصر خواهد کوبید، و شما، ای بنی‌اسرائیل، یک به یک گردآوری خواهید شد. و در آن روز چنین خواهد شد که شیپور بزرگ نواخته خواهد شد، و آنان که در سرزمین آشور در آستانه هلاکت بودند، و رانده‌شدگان در سرزمین مصر خواهند آمد، و خداوند را بر کوه مقدس در اورشلیم پرستش خواهند کرد. اشعیا ۶: ۲۷-۱۳.

"باد شرقی" نیرویی است که "کشتی‌های ترشیش" را غرق می‌کند و بر روسپی صور داوری می‌آورد. "باد شرقی" نیرویی است که پادشاهان را به وحشت می‌اندازد. "باد شرقی" همان است که آفت "سوزان" را بر مصر آورد؛ آفتی که هفت سال قحطی را پدید آورد، در حالی که یوسف و فرعون تمام جهان (مصر) را به بندگی درآوردند، و همین "باد شرقی" بود که "ملخ‌ها" را آورد که در هنگام رهایی از مصر همه‌چیز را بلعیدند. اسلام "باد شرقی" است.

جنبش‌های اصلاحی نبوت‌های کتاب مقدس نشان می‌دهند که هر جنبش اصلاحی مضمون ویژه خود را دارد. مضمون جنبش اصلاحی صد و چهل و چهار هزار، اسلام است. در 11 سپتامبر 2001، اسلام مصیبت سوم به وحش زمین حمله کرد و جورج دبلیو بوش، "دوم"، بی‌درنگ "باد شرقی" را مهار کرد. در آن واقعه، چنان‌که خواهر واپت ثبت کرده است، وقتی ساختمان‌های بزرگ شهر نیویورک فرو ریخته شدند، مکاشفه باب هجده، آیات یک تا سه تحقق یافت. آن سه آیه بیانگر نخستین دو صدا در مکاشفه باب هجده‌اند. صدای دوم در آیه چهارم است و فراخوان خروج از بابل را مشخص می‌کند که در ایالات متحده با قانون یکشنبه آغاز می‌شود. اسلام مصیبت سوم، به وسیله چهار فرشته مکاشفه باب هفت مهار می‌شود، در حالی که صد و چهل و چهار هزار نفر مهر می‌شوند.

خداوند خدا، خدایی غیور است، اما در برابر گناهان و تعدیات قوم خود در این نسل صبری طولانی دارد. اگر قوم خدا در مشورت او راه رفته بودند، کار خدا پیشرفت کرده بود، پیام‌های حقیقت به همه مردمانی که بر روی تمامی زمین ساکن‌اند ابلاغ شده بود. اگر قوم خدا او را باور کرده و عامل کلام او شده بودند، اگر فرمان‌های او را نگاه داشته بودند، فرشته، در حالی که در آسمان پرواز می‌کرد، با پیامی برای چهار فرشته‌ای که می‌بایست بادها را رها کنند تا بر زمین بوزند نمی‌آمد و ندا نمی‌داد: «بازدارید، بازدارید چهار باد را تا بر زمین نوزند، تا زمانی که بندگان خدا را بر پیشانی‌هایشان مهر کرده باشم.» اما چون مردم نافرمان، ناسپاس و نامقدس‌اند، چنان‌که اسرائیل باستان چنین بود، زمان به درازا کشیده می‌شود تا همه پیام آخرین رحمت را که با صدای بلند اعلان می‌شود، بشنوند. کار خداوند بازداشته شده، زمان مهر کردن به تأخیر افتاده است. بسیاری حقیقت را نشنیده‌اند. اما خداوند به آنان فرصتی خواهد داد تا بشنوند و تبدیل یابند، و کار عظیم خدا پیش خواهد رفت. Manuscript Releases، جلد ۱۵، ۲۹۳.

کسانی که مهر می‌شوند، پیش از قانون روز یکشنبه مهر می‌شوند، زیرا جهان را تنها از طریق دیدن مردان و زنانی که در بحران قانون روز یکشنبه مهر خدا را دارند، می‌توان هشدار داد و از بابل فراخواند. مهر شدن صد و چهل و چهار هزار نفر در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ آغاز شد، اما زمان مهر شدن به تعویق افتاد.

همه انبیا نسل آخر را خطاب می‌کنند و این فراز مستقیماً به نسل نهایی اشاره دارد. در این نسل نهایی قوم خدا «در مشورت او راه نرفتند» و از همین رو زمان مهر بازداشته و به تأخیر افتاد. این بازداشتن و تأخیر به سبب آن وحشی بود که در مکاشفه، باب یازدهم، از چاه بی‌انتها برمی‌خیزد و دو نبی را کشت. آن وحش در زمان انقلاب فرانسه خدانا باوری بود و نماد جنبش خدانا باورانه‌ای شد که کسانی که «ووک‌ایسم» — که اکنون جهان را با خود روبه‌رو کرده — را به جنبش «for America» «America» وارد کردند، به درون آن وارد ساختند؛ و سپس «America» «for America» دیگر در مشورت خدا گام نزد و اجازه داد نفوذ کسانی که دستورکار همجنس‌گرایانه مدرن خود را ترویج می‌کردند، همراه با دیگرانی که «تعیین زمان» را ترویج می‌کردند، زمان مهر را بازدارد و به تأخیر بیندازد.

بسیاری از آنچه بر من مکشوف شده، به ذهنم هجوم آورده است و به سختی می‌دانم چگونه بیانشان کنم. با این همه، نمی‌توانم خاموش بمانم. خداوند از کسانی که خود را برای حکمرانی بر هم‌نوعانشان برمی‌گمارند و می‌کوشند طرح‌هایی را به اجرا بگذارند که روح‌القدس محکوم کرده است، خشمگین است. من بیش از آنچه بتوانم بیان کنم، از ناتوانی شما در تشخیص این که خدا این مردان را منصوب نکرده است، در شگفتم. این نظام تازه باید شما را به هراس اندازد، زیرا تأیید آسمان را ندارد.

دل طبیعی نباید اصول آلوده و فسادآور خود را وارد کار خدا کند. نباید اصول ایمان ما پنهان شود. پیام فرشته سوم باید به وسیله قوم خدا اعلام شود. این پیام باید اوج گیرد تا به فریاد بلند بدل شود. خداوند زمانی معین کرده است که در آن کار را ختم خواهد کرد؛ اما آن زمان کی است؟ هنگامی که حقیقتی که برای این روزهای آخر باید اعلام شود، به‌عنوان شهادتی برای همه ملت‌ها بیرون رود، آنگاه پایان فرا خواهد رسید. اگر قدرت شیطان بتواند به خود هیکل خدا راه یابد و امور را هرطور که می‌خواهد دست‌کاری کند، زمان تدارک به درازا خواهد کشید.

این است راز جنبش‌هایی که برای مخالفت با مردانی به راه افتاد که خدا آنان را با پیامی از برکت برای قوم خود فرستاد. از این مردان نفرت داشتند. هم این مردان و هم پیام خدا خوار شمردند، درست همان‌گونه که خود مسیح در ظهور نخستین خود مورد نفرت و تحقیر قرار گرفت. افرادی در جایگاه‌های مسئولیت همان ویژگی‌هایی را بروز داده‌اند که شیطان آشکار کرده است. آنان کوشیده‌اند بر ذهن‌ها حکم برانند و عقل و استعدادها را زیر قلمرو صلاحیت انسانی درآورند. تلاشی صورت گرفته است تا خدایان خدا را زیر کنترل کسانی قرار دهند که نه معرفت و حکمت خدا را دارند و نه تجربه‌ای زیر هدایت روح‌القدس. اصولی پدید آمده‌اند که هرگز نباید به عرصه ظهور می‌رسیدند. آن طفل نامشروع باید همان دم که نخستین نفس حیات را کشید، خفه می‌شد. آدمیان محدود با خدا و حقیقت و فرستادگان برگزیده خداوند در جنگ بوده‌اند و با هر وسیله‌ای که جرأت به کار بردنش را داشتند، به مقابله برخاسته و کار آنان را خنثی کرده‌اند. لطفاً در این بیندیشید که چه فضیلتی در حکمت و طرح‌های کسانی بود که پیام‌های خدا را سبک شمردند و، همچون کاتبان و فریسیان، همان مردانی را خوار داشتند که خدا از آنان برای ارائه نور و حقیقتی که قومش بدان نیاز داشت به کار گرفته است. مواد ۱۸۸۸، ۱۵۲۵.

دوران مَهرشدنی که در 11 سپتامبر 2001 آغاز شد، مختل شد، زیرا به نمایندگان شیطان اجازه داده شد وارد "خود معبد خدا" شوند. نکته‌ای که باید در اینجا دید این است که از 1798 تا 1844، معبد میلریتی بنا شد و در 22 اکتبر 1844، فرستاده عهد ناگهان به معبد خود آمد. معبد و جماعت به مدت هزار و دویست و شصت سال به دست پاپی‌گری پایمال شده بودند، و هنگامی که پاپی‌گری ضربه مهلک خود را دریافت، مسیح کار برپاداشتن معبد میلریتی را آغاز کرد، و نماد معبد عدد چهل‌وشش است، به‌گواهی چندین شاهد.

در یازدهم اوت ۱۸۴۰، فرشته باب دهم مکاشفه نازل شد و داوری پروتستانتیسم آغاز شد. آن تاریخ مو به مو تکرار می‌شود.

در کتاب مقدس این «باد شرقی» است که کشتی‌های ترشیش را غرق می‌کند، آن شهر بزرگ صور را ساقط می‌سازد، و پادشاهان و تاجران را و می‌دارد سه بار فریاد زنند: «وای، وای» (افسوس، افسوس). اما در بخشی از اشعیا که در نظر داریم، روز «باد شرقی» روزی است که خدا «باد سخت خود را بازمی‌دارد». در این بخش، «باد شرقی» مهار شده است تا مانع کار فرشته سوم نشود؛ کاری که در زمان باران پسین به انجام می‌رسد. در این بخش، سخن از «باد شرقی» که در مهار نگه داشته می‌شود، ناظر به باران پسین، کار فرشته سوم، و بیرون آوردن دیگر فرزندان خدا از بابل است. در آن دوره، چهار فرشته چهار باد را نگه می‌دارند، در زمان مهر شدن یکصد و چهل و چهار هزار.

و پس از اینها دیدم که چهار فرشته بر چهار گوشه زمین ایستاده بودند و چهار باد زمین را نگه می‌داشتند تا مبادا بادی بر زمین یا بر دریا یا بر هیچ درختی بوزد. و فرشته دیگری دیدم که از مشرق بالا می‌آمد و مهر خدای زنده را داشت؛ و با آواز بلند به آن چهار فرشته‌ای که به آنان داده شده بود به زمین و دریا آسیب برسانند، ندا داد و گفت: «نه به زمین و نه به دریا و نه به درختان آسیب نرسانید تا زمانی که بندگان خدای خود را بر پیشانی‌هایشان مهر کنیم.» مکاشفه ۱:۷-۳

بازداشتن «باد شرقی»، مهار «ملت‌های خشمگین» و مهار «چهار باد»، همگی در دوران باران دیر هنگام رخ می‌دهند، زیرا در دوره باران دیر هنگام است که مهر خدا بر قوم او نهاده می‌شود. آن «چهار باد» که به دست چهار فرشته مهار می‌شوند، نمادی از اسلام هستند.

فرشتگان چهار باد را مهار کرده‌اند؛ این چهار باد به صورت اسبی خشمگین به تصویر کشیده شده که در صدد است از بند رها شود و بر سراسر چهره زمین بتازد و در مسیر خود ویرانی و مرگ را به همراه می‌آورد.

«آیا ما بر درست بر لبه جهان ابدی به خواب خواهیم رفت؟ آیا ما کُند و سرد و مرده خواهیم بود؟ آه، کاش در کلیساهای ما روح و نفس خدا در قوم او دمیده شود، تا ایشان بر پاهای خود بایستند و زنده گردند. ما نیاز داریم ببینیم که راه، تنگ است و دروازه، صعب. اما چون از دروازه تنگ عبور می‌کنیم، فراخی آن بی‌حد و حصر است.» Manuscript Releases, volume 20, 217.

ما این واقعیت‌ها را در مقاله بعدی بیشتر بررسی خواهیم کرد؛ زیرا «در روزگار این پادشاهان»، که در قالب «هشتمین پادشاهی» پیشگویی کتاب مقدس—که «از آن هفت» پادشاهی است—نمایان می‌شود، خدا پادشاهی جاودانی را برپا می‌کند.

و در ایام آن پادشاهان، خدای آسمان‌ها سلطنتی برپا خواهد کرد که هرگز ویران نخواهد شد؛ و آن سلطنت به قوم دیگری واگذار نخواهد شد، بلکه همه این پادشاهی‌ها را خرد کرده و نابود خواهد ساخت، و خود تا ابد پابرجا خواهد ماند. از آن رو که دیدی سنگی بدون دست از کوه بریده شد و آهن و مفرغ و گل و نقره و طلا را خرد ساخت، خدای عظیم به پادشاه اعلام کرده است آنچه پس از این رخ خواهد داد؛ و آن خواب یقینی است و تعبیرش استوار. دانیال ۲:۴۴، ۴۵.